

ریشه ها و پیامدهای حفره های دولت در محدوده شمال و خاور هرمزگان و جنوب کرمان

دکتر محمد باقر قالیباف*

مهدی میرزاده کوهشاهی**

چکیده:

حفره های دولت پدیده هایی است که از راههای گوناگون حاکمیت دولت را در قلمرو و فضای جغرافیایی با چالش روبه رو می کند یا زمینه آنرا فراهم می آورد و امنیت ملی را به خطر می اندازد. این حفره ها که سبب ناهمخوانی قلمرو حقوقی و واقعی دولتها می شود در همه جوامع وجود دارد، از جمله در ایران که با توجه به موقع جغرافیایی و شرایط داخلی آن، حفره ها در نقاط گوناگون قرار گرفته است و در نقاط پیرامونی کشور، آشکارتر به چشم می آید.

هدف از این پژوهش، شناخت علل و متغیرهای مؤثر در پا گرفتن حفره های دولت در محدوده شمال و خاور هرمزگان و جنوب کرمان و روشن ساختن پیامدها و همچنین درجه بندی آنها بر پایه اهمیت است. در این راستا فرض بر این است که این پدیده ها بر آمده از عوامل گوناگون محلی، ملی و بین المللی است. در این نوشتار بر آنیم که با به دست دادن نشانه هایی، به تبیین موضوع بپردازیم. این نشانه ها از بررسی میدانی، اسناد رسمی، سخنان دست اندر کاران و گفت و گو با شهروندان به دست آمده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که بر پایه آن وضع موجود بررسی و سپس به تحلیل پیوند متغیرهای گوناگون با یکدیگر پرداخته می شود.

بررسیها نشان می دهد که مجموعه ای از عوامل و موضوعات جغرافیایی چون دوری و نزدیکی به مراکز سیاسی، نزدیکی به مرز، اقلیم، گروههای قومی-مذهبی، تقسیمات کشوری، با عواملی سیاسی-اجتماعی مانند چگونگی توزیع ثروت ملی و فقر علمی-فرهنگی دست به دست هم داده و زمینه ساز حفره های دولت در این مناطق شده و در پاره ای از موارد نیز با گرفتن يك حفره، بستر مناسبی برای دیگر حفره ها پدید آورده است. در این محدوده، حفره های امنیتی از دیگر حفره های دولت خطرناک تر است و برای برنامه ریزی باید در اولویت قرار گیرد.

این نوشتار بر پایه پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی قابلیتها و موانع توسعه استان هرمزگان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» فراهم آمده است.

* دکترای جغرافیای سیاسی و استادیار گروه جغرافیای دانشگاه تهران

** دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

فضای ملی دامن می‌زند. فقر و عقب ماندگی و تضاد طبقاتی اگر با عواملی چون مذهب و قومیت نیز بیامیزد، می‌تواند زمینه را برای منطقه‌گرایی و حرکت‌های واگرایانه و جدایی‌خواهی فراهم کند. بی‌گمان در چنین شرایطی امکان فعالیت برای گروه‌های ستیزه‌جو، سازمان‌های جاسوسی بیگانه و نهادهایی که برخی از آنها یکپارچگی سرزمینی و امنیت ملی را به چالش می‌کشند، فراهم می‌شود.

در این پژوهش به بررسی و ریشه‌یابی این حفره‌ها از جنبه‌های گوناگون می‌پردازیم و همچنین آثار و پیامدهای این پدیده را ارزیابی می‌کنیم. به سخن دیگر، بر آنیم که به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. پاگرفتن حفره‌های دولت در منطقه مورد بررسی، بر آمده از چه عواملی است؟ ۲. این حفره‌ها چه پیامدها و آثاری بر محیط و بستر جغرافیایی آنها می‌گذارد؟ بر پایه فرضیات مطرح شده، پدیداری حفره‌های دولت مایه گرفته از شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی منطقه مورد بررسی و دشواریهای سیاسی-اداری گریبانگیر کشور است. همچنین، این

۱- پیشگفتار

هر چه منطقه‌ای از مرکز سیاسی کشور که کانون قدرت، ثروت و تصمیم‌گیری است دورتر باشد، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. چنین مناطقی، به علت دور بودن از نظارت و کنترل دولت، به مکانهایی مناسب برای فعالیت‌های غیرقانونی و تبهکارانه تبدیل می‌شود. گروه‌های تبهکار همواره در پی فضا و بستری مناسب برای فعالیت‌های خود و بیشتر در صدد تصرف و اداره سرزمین (تسخیر) به گونه غیررسمی هستند. کشمکش بر سر سازماندهی، تصرف و اداره سرزمین، در بیشتر موارد پیچیده، رقابت آمیز و خشن بوده است (داس، ۱۳۸۴: ۳۰).

این کشمکش، گاه میان گروه‌های تبهکار با یکدیگر و گاهی میان دولت و تبهکاران رخ می‌دهد. خطر تبهکاران سازمان یافته برای دولت، در خور توجه است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰۲)؛ آنها گاهی موجودیت دولت را نشانه می‌گیرند، ولی بیشتر اقتدار آنرا به چالش می‌کشند.

پیدایش مناطق دست نیافتنی و ممنوعه، که قدرت دولت در آنها کارساز نیست و تنها میدان تاخت و تاز سازمان‌های نیرومند جنایتکار و کارتل‌های مواد مخدر است، نشانه نارسایی اقتدار قانونی دولت است (همان: ۲۰۳). این شبکه‌های مافیایی با ابزارهای گوناگون در صدد رسوخ به درون ساختارهای دولتی هستند تا بتوانند بی هرگونه مانع به هدفهای خود برسند و فساد اداری یکی از مهمترین ابزارها برای رسیدن به چنین هدفی است. فساد و جرائم سازمان یافته را می‌توان همانند ویروس ایدز برای دولت مدرن دانست که بر دفاع طبیعی بدنه نظام سیاسی بیروز می‌شود و آنرا دچار آشفتگی می‌کند (ویت و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۳۴).

از سوی دیگر، چشم بستن دولت بر چنین مناطقی به افزایش فقر و توسعه نیافتگی و عقب‌ماندگی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد و در درازمدت میان ساکنان این مناطق با دیگر مناطق کشور نابرابری پدید می‌آورد و به ناهمخوانیها در

○ حفره‌های دولت پدیده‌هایی است که از راه‌های گوناگون حاکمیت دولت را در قلمرو و فضای جغرافیایی با چالش روبه‌رو می‌کند یا زمینه آنرا فراهم می‌آورد و امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. این حفره‌ها که سبب ناهمخوانی قلمرو حقوقی و واقعی دولتها می‌شود در همه جوامع وجود دارد، از جمله در ایران که با توجه به موقع جغرافیایی و شرایط داخلی آن، حفره‌ها در نقاط گوناگون قرار گرفته است و در نقاط پیرامونی کشور، آشکارتر به چشم می‌آید.

مؤثری بر بخشی از سرزمین خود ندارند به کار برد. از دید او، اصطلاح کشور نیم‌پند همه گونه‌های بی‌انضباطی اجتماعی را دربرمی‌گیرد؛ ناکارایی مقررات و نیروی انتظامی، نافرمانی گسترده کارگزاران دولت در سطوح گوناگون از مقررات و رهنمودهای ابلاغ شده و ساخت‌وپاخت آنان با گروه‌های نیرومندی که مأمور رسیدگی به کارهایشان شده‌اند (گیلبرت و گاگر، ۱۳۸۵: ۲۶۹).

همچنین، در بسیاری مواقع، به علت ریشه نداشتن ارزشهای سیاسی و اندیشه سیاسی نظام در ژرفای جامعه، حکومت توان نفوذ در جامعه و لایه‌های گوناگون را ندارد. این وضع به سرپیچی از تصمیمات دولت می‌انجامد و مایه بیرون رفتن بخشی از سرزمین از کنترل دولت می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۷۱). همه این موارد که در آنها جنبه‌هایی از ناهمخوانی میان قلمرو حقوقی و قلمرو واقعی دولت به چشم می‌خورد، در چارچوب مفهوم حفره‌های دولت می‌گنجد که نخستین بار از سوی ریچارد مویر (Rich-ard Muir) جغرافی‌دان انگلیسی مطرح شد (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰۱). بر سر هم اگر بخواهیم تعریفی فراگیر از حفره‌های دولت به دست دهیم باید بگوییم: حفره‌های دولت به پدیده‌هایی گفته می‌شود که به گونه‌هایی حاکمیت دولت را در قلمرو و فضای جغرافیایی‌اش با چالش روبه‌رو می‌کند یا زمینه را برای به چالش کشیده شدن حاکمیت دولت فراهم می‌آورد و امنیت ملی را به خطر می‌اندازد.

ویژگی این پدیده‌ها؛ سازمان یافتگی، پیوسته و پایدار بودن است و از همین رو، بسیاری از رخداد‌های سازمان‌نیافته، برنامه‌ریزی نشده، ساده و اتفاقی در چارچوب مفهوم حفره دولت جای نمی‌گیرد. این پدیده می‌تواند در سایه عوامل گوناگون جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در يك جامعه سربر آورد. حفره‌های دولت را می‌توان از نظر درون‌مایه، گستره مکانی و زمانی و واکنش دولت به آنها چنین دسته‌بندی کرد:

- حفره‌های فرهنگی - اجتماعی: خطرهایی که متوجه زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه است و

○ پیدایش مناطق دست‌نیافتنی و ممنوعه، که قدرت دولت در آنها کارساز نیست و تنها میدان تاخت و تاز سازمانهای نیرومند جنایتکار و کارتل‌های مواد مخدر است، نشانه نارسایی اقتدار قانونی دولت است. این شبکه‌های مافیایی با ابزارهای گوناگون در صدد رسوخ به درون ساختارهای دولتی هستند تا بتوانند بی هرگونه مانع به هدفهای خود برسند و فساد اداری یکی از مهمترین ابزارها برای رسیدن به چنین هدفی است. فساد و جرائم سازمان یافته را می‌توان همانند ویروس ایدز برای دولت مدرن دانست که بر دفاع طبیعی بدنه نظام سیاسی پیروز می‌شود و آنرا دچار آشفتگی می‌کند.

حفره‌ها پیامدهای امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زیانبار بر کشور و ساکنان این منطقه تحمیل می‌کند.

۲- گفتن نظری

اندیشمندانی کوشیده‌اند با به دست دادن مفاهیمی، تفاوت سلطه قانونی دولت و سلطه عملی آنرا روشن کنند. مفهوم قلمرو مؤثر ملی که نخستین بار از سوی پرستون جیمز (Prestone E. James) جغرافیدان امریکایی به کار رفت، بیانگر آن است که چه بسا سراسر قلمرو (حقوقی) با مناطقی که زیر کنترل مؤثر دولت است (یعنی قلمرو واقعی) تطابق وجود نداشته باشد. وی قلمرو مؤثر را بخشی از قلمرو دولت تعریف کرد که در عمل به پشتیبانی اقتصادی از شهروندان کمک می‌کند (مویر، ۱۳۷۹: ۱۶۷).

همچنین، سالها پیش، میردال (Myrdal) اصطلاح «کشور نیم‌پند» را در مورد کشورهایی که کنترل

- حفره‌های اقتصادی: این حفره‌ها، برعکس حفره‌های فرهنگی-اجتماعی و سیاسی، خود به خود خطری برای دولت نیستند، اما آثار وجودشان اقتدار دولت را کاهش می‌دهد. اختلاس مالی، قاچاق کالا، نقض قوانین گمرکی، سوءاستفاده از شرکت‌های دولتی و... از این جمله است.

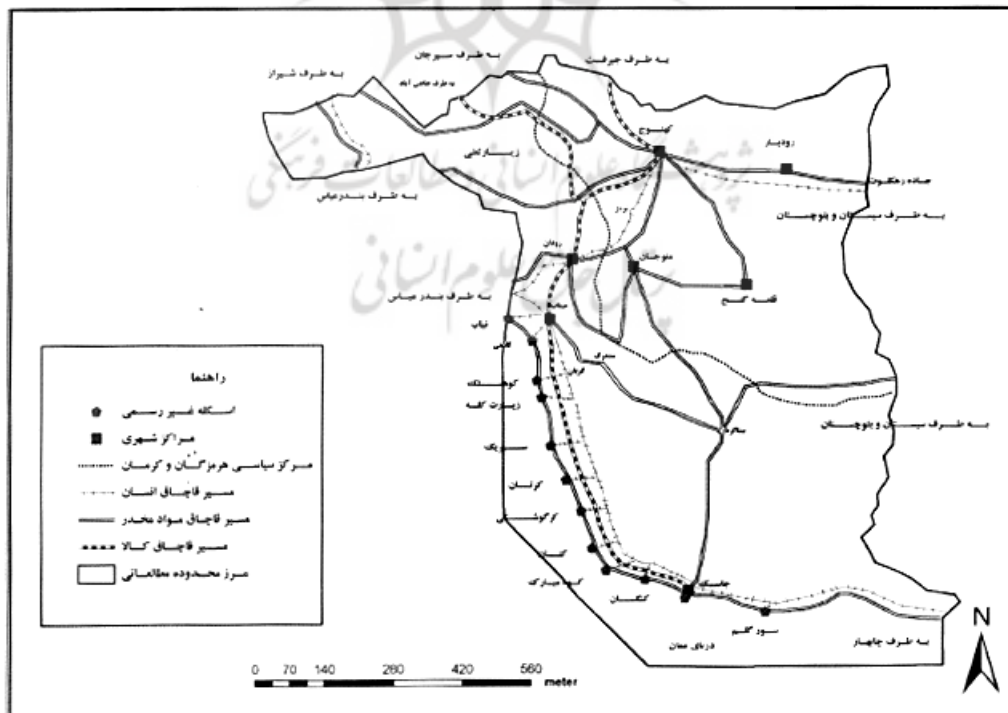
- حفره‌های امنیتی: این حفره‌ها به همه کارهای سازمان‌یافته‌ای گفته می‌شود که امنیت عمومی و ملی را در گستره جغرافیایی یک کشور یا بخشی از آن به خطر می‌اندازد. گروه‌های تروریست، قاچاقچیان مواد مخدر و جنگ‌افزار و راهزنان آشکارترین نمودهای این حفره‌ها به‌شمار می‌آیند.

بر سر هم، حفره‌های دولت در سایه عوامل گوناگون جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در یک محدوده جغرافیایی یا در سطح ملی و بین‌المللی پدید می‌آید. در بیشتر موارد، پاگرفتن یک حفره، بستر لازم را

آنها را به چالش می‌کشد، در بیشتر کشورها وجود دارد. برهم‌زنندگان نظم عمومی، آلاینده‌ها محیط زیست، تولیدکنندگان فرآورده‌های فرهنگی ناسازگار با فرهنگ ملی، از این دست حفره‌ها به‌شمار می‌آیند. رشوه‌گیران دیوانی، سوءاستفاده‌کنندگان از قوانین و مقام‌های دولتی نیز از این جمله‌اند (پیشگاهی فرد، ۱۳۷۵: ۴).

- حفره‌های سیاسی: حفره‌های سیاسی، بیشتر حلقه‌های مخالف حکومت و دولت هستند و همواره خطرناک‌ترین حفره‌ها برای دولت‌ها به‌شمار می‌آیند زیرا یکسره قدرت حاکم را نشانه می‌روند و از همین رو، توجه دولت‌ها به این حفره‌ها بیش از دیگر حفره‌هاست (همان: ۸). جنبش‌های جدایی‌خواه، نیروهای مخالف سیاسی، گروه‌هایی که مشروعیت دولت را به چالش می‌کشند و به اندیشه سیاسی آن می‌تازند، از این گونه‌اند.

محدوده مورد مطالعه



میناب، رودان و حاجی آباد پراکنده اند. جز ۲۰ درصد ساکنان شهرستان میناب که پیرو مذهب تسنن هستند، دیگر اهالی این شهرستانها شیعی مذهبند؛

- دیگر بخشهای این محدوده که دربرگیرنده شیعیان است و باشندگانش از دید فرهنگی- قومی، ویژگیهای مشترکی از خرده فرهنگ بندری (بومیان هرمزگان) و بلوچی دارند، به گونه ای که این ناحیه را می توان يك ناحیه گذار فرهنگی میان دو فرهنگ بندری و بلوچی به شمار آورد.

بر سر هم، برجسته ترین ویژگیها و همسانیها در ناحیه مورد بررسی را می توان چنین برشمرد:

- همسانی فرهنگی- زبانی (منطقه گذار فرهنگی

میان بلوچستان- هرمزگان)؛

- آب و هوای منطقه؛

- اقتصاد: اقتصاد این ناحیه غیرصنعتی و بر کشاورزی، دامداری و قاچاق استوار است؛

- دور بودن از مرکز استانها، جز میناب و مرکز

○ در بسیاری مواقع، به علت ریشه نداشتن ارزشهای سیاسی و اندیشه سیاسی نظام در ژرفای جامعه، حکومت توان نفوذ در جامعه و لایه های گوناگون را ندارد. این وضع به سرپیچی از تصمیمات دولت می انجامد و مایه بیرون رفتن بخشی از سرزمین از کنترل دولت می شود. همه این موارد که در آنها جنبه هایی از ناهمخوانی میان قلمرو حقوقی و قلمرو واقعی دولت به چشم می خورد، در چارچوب مفهوم حفره های دولت می گنجد که نخستین بار از سوی ریچارد مویر جغرافی دان انگلیسی مطرح شد.

برای تولید و بازتولید دیگر حفره ها فراهم می آورد که در این صورت، مبارزه با آنها بسیار دشوار خواهد بود و تنها با برنامه های کلان نگر و فراگیر می توان حفره های دولت را از میان برداشت.

۳- روش پژوهش:

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و بر پایه داده هایی انجام گرفته که از بررسی میدانی، اسناد رسمی، سخنان دست اندرکاران و گفت و گو با شهروندان به دست آمده است.

۴- یافته های پژوهش:

محدوده مکانی این پژوهش همچون يك سه گوشه، مناطقی از شمال و خاور استان هرمزگان و جنوب کرمان را دربرمی گیرد و بخشی از شهرستانهای حاجی آباد، رودان، میناب و جاسک در شمال و خاور استان هرمزگان و شهرستانهای رودبار، کهنوج، منوجان و نودژ در جنوب استان کرمان را می پوشاند. بر پایه سرشماری ۱۳۸۴، این منطقه جمعیتی نزدیک به ۵۰۰ هزار تن دارد و بخشهایی از شهرستان حاجی آباد که در محدوده مورد بررسی ما نمی گنجد، بقیه آن دارای درجه بالایی از همگنی جغرافیایی است. به سخن دیگر، همسانیهای بسیاری در این محدوده وجود دارد که با اندکی چشم پوشی از برخی تفاوتها، می توان آنرا يك ناحیه جغرافیایی به شمار آورد. از دید اقلیمی، این ناحیه را می توان به دو بخش پست در کناره دریای عمان با آب و هوای گرم و مرطوب ساحلی و بلندیهای شمالی با آب و هوای گرم و خشک تقسیم کرد. با توجه به اقلیم و شرایط ناحیه، کار اصلی بیشتر ساکنان، کشاورزی، دامپروری و قاچاق است.

از دید فرهنگی، با وجود همسانیهای بسیار، این منطقه را می توان به بخشهای کوچکتری تقسیم کرد:

- مناطق بلوچ نشین در محدوده شهرستان جاسک و بخشهایی چون سندرک و سیریک از توابع میناب که سنی مذهبند. این منطقه دنباله بلوچستان ایران است که بر پایه تقسیمات کشوری در حوزه استان هرمزگان قرار دارد؛

- بومیان هرمزگان که در محدوده شهرستانهای

شهرستان رودان؛

- پرشمار بودن جمعیت روستایی؛

- پایین بودن سطح آموزش؛

- نبود راههای ارتباطی مناسب بویژه در بخشهای

روستایی؛

- بی‌بهرگی از نفوذ سیاسی و اداری در ساختار دولت

در سطح محلی (استان) و ملی؛

۴-۱- حفرة‌های دولت در ناحیه مورد بررسی

۴-۱-۱- جرائم سازمان یافته: بزهداران سازمان یافته

از پایدارترین و نیرومندترین بازیگران غیردولتی اند.

جرائم سازمان یافته با ویژگیهایی مانند عضویت سه تن

یا بیشتر در گروه، ساختار سلسله‌مراتبی جرم،

تخصصی بودن نقشها در درون سازمان، پیوستگی و

دنباله‌دار بودن کارهای مجرمانه، کاربرد خشونت و

فساد، عرضه کردن کالاها و خدمات غیرمجاز،

به کارگیری تشریفات خاص و رازداری و پنهان کاری

تعریف می‌شود (ویت و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۳۴-۲۳۳).

گروههای مافیایی همواره می‌کوشند از راه

سازوکارهای مجرمانه و کارهای غیرقانونی سودهای

سرشار به دست آورند. این سودها از راه قاچاق کالا،

مواد مخدر، سوخت، آدم‌ربایی و شرارت به دست

می‌آید. برجسته‌ترین زمینه‌های فعالیت این گروهها در

محدوده مورد بررسی:

- قاچاق مواد مخدر: قاچاق مواد مخدر از مسائلی

است که دولتهای ملی به تنهایی توان رویارویی با آنها

ندارد (دادس، ۱۳۸۴: ۵۸). در سایه وجود بازار

گسترده مصرف و تقاضای روزافزون، قاچاق مواد

مخدر بعنوان کاری پرسود، پس از قاچاق جنگ‌افزار و

پیش از قاچاق انرژی قرار می‌گیرد (قالیباف،

۱۳۸۶: ۱۲)، برپایه این کار بردامنه، بین‌المللی و

پرسود که گروههای مافیایی و تبهکاران سازمان یافته را

به سوی خود کشیده، و فرهنگ برآمده از آن،

حفرة‌های دولت رو به گسترش است (مویر، ۱۳۷۹:

۲۰۲). ایران به علت همسایگی با مراکز تولید مواد

مخدر و قرار گرفتن در گذرگاه آن به اروپا و کشورهای

منطقه، همواره محل فعالیت بسیاری از قاچاقچیان

○ بر سر هم، حفرة‌های دولت در سایه

عوامل گوناگون جغرافیایی، سیاسی،

اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در يك محدوده

جغرافیایی یا در سطح ملی و بین‌المللی پدید

می‌آید. در بیشتر موارد، پاگرفتن يك حفرة،

بستر لازم را برای تولید و بازتولید دیگر

حفرة‌ها فراهم می‌آورد که در این صورت،

مبارزه با آنها بسیار دشوار خواهد بود و تنها با

برنامه‌های کلان‌نگر و فراگیر می‌توان

حفرة‌های دولت را از میان برداشت.

مواد مخدر بوده است. ناحیه مورد بررسی نیز یکی از

مهمترین گذرگاهها و نقاط پخش مواد مخدر در کشور

است. مهمترین راههای ترانزیت مواد مخدر در این

ناحیه عبارت است از:

* مواد مخدر از جاده زهکلوت و جاده‌های فرعی

کنار آن به رودبار و کهنوج می‌رسد و سپس بخشی از آن

از راه نواحی روستایی حاجی آباد وارد استان فارس

می‌شود؛ بخشی نیز با گذر از شهرهای شمالی تر کرمان

مانند جیرفت، سیرجان و رفسنجان روانه استان یزد و

بخش دیگری از راه مناطق روستایی رودبار، منوجان،

قلعه گنج و سپس رودان و میناب وارد بندرعباس

می‌شود؛ بخشی از مواد مخدر هم در همان محدوده

پخش و مصرف می‌شود. این محدوده یکی از بالاترین

میزانهای اعتیاد به مواد مخدر را در کشور دارد. بخش

اندکی از مواد هم به کشورهای جنوبی خلیج فارس

قاچاق می‌شود؛

* مواد مخدر از مرزهای باختری بلوچستان به

بشاگرد در خاور هرمزگان می‌رسد و سپس از راه

روستاهای توکهور، سندرک، سیریک وارد میناب

می‌شود و با گذشتن از نوار ساحلی، از راه آب و خشکی

سرانجام به خوزستان می‌رسد و بخشی از آن از کشور

قاچاق کالا به درون کشور فراهم آورده است. از سوی دیگر، در سایه ضعف بنیادهای اقتصادی، توسعه نیافتگی و بیکاری که در نواحی روستایی چشمگیرتر است، افراد ناگزیر دست به قاچاق کالا می‌زنند. این کار را بیشتر ساکنان شهرهای کرانه‌ای میناب و جاسک می‌کنند و مقصد کالاها، بخشهای گوناگون کشور است. بندرها و اسکله‌های غیررسمی کوهستک، سیریک، سندرك، تیاب، کلاهی، کرگان، گوان، گران و گرتی محل ورود کالاهایی است که از بندر خصب (در عمان) و دبی در جنوب خلیج فارس فرستاده می‌شود. بخشی از کالاها به بندر عباس و بخشی دیگر از راه رودان، مناطق روستایی حاجی آباد و کهنوج به شهرهای جنوب کرمان و سپس شهرهای شمالی تر سرازیر می‌شود. این کالاها در قالب کاروانهایی که ایستگاههای قانونی را با تغییر مسیر در نواحی روستایی دور می‌زنند و بیشتر در سایه سهل‌انگاری یا کج‌دستی برخی مأموران و کارگزاران، با کمترین ریسک به مقصد می‌رسد.

- قاچاق انسان: قاچاق انسان از دیگر فعالیت‌های گروه‌های تبهکار است. افراد گوناگون، در جستجوی زندگی و کار بهتر و گاهی برای گریز از قانون، به گونه غیرقانونی از مرزهای يك کشور می‌گذرند و راهی کشورهای دیگر می‌شوند. قاچاق انسان در این ناحیه به دو بخش کلی تقسیم می‌شود:

* کسانی که مقصدشان ایران بویژه شهرهای مورد بررسی است. اینان بیشتر مردان افغانی جویای کارند که از راه زاهدان، جاسک، میناب و زاهدان، کهنوج و رودان به بندر عباس می‌رسند یا در این شهرها پراکنده می‌شوند و به کشاورزی، ساخت و ساز و حمل قاچاق می‌پردازند؛

* گروه دوم، کسانی که از راه بندرها و اسکله‌های غیررسمی میناب و جاسک مانند کوهستک، سیریک، سندرك، تیاب، کلاهی، کرگان، گوان، گران و گرتی به کشورهای عربی برده می‌شوند و بخشی از آنان نیز افغانی‌اند.

- قاچاق سوخت: بالا گرفتن بهای جهانی نفت در این سالها از يك سو و خودکفا نبودن بسیاری از کشورها در تولید فرآورده‌های نفتی مانند گازوئیل و بنزین، بهای فرآورده‌های نفتی را در بسیاری از کشورها افزایش داده

○ قاچاق مواد مخدر بعنوان کاری پرسود، پس از قاچاق جنگ‌افزار و پیش از قاچاق انرژی قرار می‌گیرد بر پایه این کار پردامنه، بین‌المللی و پرسود که گروه‌های مافیایی و تبهکاران سازمان یافته را به سوی خود کشیده، و فرهنگ برآمده از آن، حفره‌های دولت رو به گسترش است. ایران به علت همسایگی با مراکز تولید مواد مخدر و قرار گرفتن در گذرگاه آن به اروپا و کشورهای منطقه، همواره محل فعالیت بسیاری از قاچاقچیان مواد مخدر بوده است. ناحیه مورد بررسی نیز یکی از مهمترین گذرگاهها و نقاط پخش مواد مخدر در کشور است.

بیرون می‌رود. یافته‌ها گویای آن است که در این سالها قاچاقچیان به هنگام بازگشت، به قاچاق جنگ‌افزار می‌پردازند و با پیمودن همین راه، آنرا در مرزهای خاوری کشور می‌فروشند. بر پایه آمارهای سال ۱۳۸۴، ۱۳۴۷۸/۳ کیلوگرم مواد مخدر در استان هرمزگان کشف شده است (کوسج و رجیبی، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۱۲۵). کارشناسان و آگاهان بومی بر آنند که با خوش بینی بسیار می‌توان گفت این مقدار، ۳ تا چهار درصد مواد مخدری است که از این ناحیه جابه‌جایی شود (همه مواد مخدری که در استان هرمزگان مصرف یا ترانزیت می‌شود، از ناحیه مورد بررسی به این استان می‌رسد).

- قاچاق کالا: قاچاق کالا از بزرگترین فعالیت‌های اقتصادی در نواحی کرانه‌ای جنوب ایران است و عواملی چند دارد. از يك سو، فضای مناطق مرزی باز و پیوسته محل مبادلات و تعاملات فضایی میان دو کشور همسایه بوده (قنبری، ۱۳۸۲: ۲۵) و بستر مناسبی برای

چندانی ندارد و سطح درآمد در این نواحی بسیار پایین است، به گونه‌ای که در بیشتر موارد هزینه زندگی روزمره ساکنان را نیز برآورده نمی‌کند. از این رو، مردمان در سایه فقر، سه راه پیش رو دارند:

* ماندن و زندگی کردن با شرایط یاد شده؛

* کوچیدن به شهرها بویژه مراکز استانها؛

* روی آوردن به قاچاق کالا، مواد مخدر و دیگر کارهای غیر قانونی.

هر چند در مراکز شهری این ناحیه هم میانگین درآمد در سنجش با دیگر نقاط کشور پایین است، ولی شهرنشینان درآمد بیشتری از روستاییان دارند. تفاوت بزرگی میان درآمد مردمان شهرها و روستاها در این ناحیه وجود دارد و این نابرابری در جنوب استان کرمان و بشاگرد چشمگیرتر است. در آنجا درآمد شهرنشینان به ۶ تا ۷ برابر درآمد روستاییان می‌رسد. با نظر سنجی در ناحیه مورد بررسی، روشن شد که در رودان و میناب، روستاییان و همچنین شهرنشینان از سطح اقتصادی بهتری برخوردارند. اگر بخش بشاگرد در شهرستان جاسک را نادیده بگیریم، بخش هرمزگانی این ناحیه وضع اقتصادی بسی بهتری دارد. بدین سان، فقر اقتصادی و تضاد طبقاتی سبب شده است که بخش چشمگیری از ساکنان این مناطق به کارهای غیرقانونی گرایش یابند.

۳-۱-۴. فساد اداری، نارسایی اقتدار دولت و ناکارآمدی نهادهای دولتی: پایین بودن سطح آموزش و سواد و فرهنگ، نه تنها ناحیه مورد بررسی را از پرورش کارشناسان و افراد دانش آموخته باز داشته است، بلکه شرایط نامساعد اقلیمی، وضع نامناسب فرهنگی، کمبود امکانات رفاهی و نبود امنیت بویژه در مناطق روستایی، سبب شده است که افراد غیربومی نیز گرایشی به کار درازمدت در آنجا نداشته باشند. از این رو کسانی که در این ناحیه به سازمانهای دولتی می‌پیوندند، تخصص و کارآمدی اندکی دارند. فضای آماده کارهای غیرقانونی نیز مایه گسترش فساد و ارتشاء و نفوذ مافیای بومی در پاره‌ای از نهادها و سازمانها شده و چه بسا طرحها و برنامه‌ها که با دخالت آنها به جایی نمی‌رسد. آلوده شدن برخی از کارمندان و دست اندرکاران به فساد،

و این وضع در کشورهایی که یارانه دولتی برای سوخت پرداخت نمی‌شود، چشمگیرتر است. در ایران فرآورده‌های نفتی ارزان است و همین ارزانی قاچاقچیان را بر آن می‌دارد که با بردن غیرقانونی آن به کشورهای همسایه، سود کلان به دست آورند. پیش از سهمیه‌بندی بنزین در ایران، اصلی‌ترین کالای سوختی که به بیرون قاچاق می‌شد بنزین بود، اما اکنون گازوئیل جای بنزین را گرفته است. عمده‌ترین مقصد سوختهای قاچاق، کشورهای جنوب خلیج فارس (امارات عربی متحده، عمان و قطر) و پاکستان است. قاچاق سوخت در این ناحیه از سه محور صورت می‌گیرد:

از راه کهنوج به مقصد بلوچستان و سپس پاکستان؛

از راه جاسک، چابهار، بلوچستان به مقصد پاکستان؛

از میناب و جاسک از راه دریا به مقصد کشورهای

جنوب خلیج فارس.

- ناامنی و شرارت: ناامنی و شرارت، پیوند نزدیک با پدیده قاچاق مواد مخدر دارد. چنان که گفته شد، ناحیه مورد بررسی از کانونهای پخش و ترانزیت مواد مخدر در ایران است. بیشتر قاچاقچیان مواد مخدر مسلحند و گاه به قاچاق جنگ‌افزار نیز دست می‌زنند. در یک نظرخواهی در بخشی از مناطق جنوبی استان کرمان، ۲۴ درصد اهالی گفتند که در محل زندگی آنان، به دست آوردن اسلحه کارچندان سختی نیست. گروگان‌گیری برای به دست آوردن پول، کاری است کمابیش رایج. از سوی دیگر، راهزنی و دزدیدن خودرو و موتورسیکلت کاری است سودآور برای گروههای تبهکار در این منطقه که با وجود کوشش نیروهای امنیتی در دو دهه گذشته، همچنان ادامه دارد. دزدان مسلح پس از دزدیدن خودروها، آنها را از مرز می‌گذرانند. بر سرهم می‌توان گفت که پیوندی گسترده و سازمان‌یافته میان گروههای تبهکار در این ناحیه و گروههای پاکستانی و افغانی وجود دارد.

۲-۱-۴. فقر و تضاد طبقاتی: بخش چشمگیری

از جمعیت این ناحیه در روستاها و از راه کشاورزی و دامداری زندگی می‌کنند. به سبب شرایط نامناسب اقلیمی و کمبود منابع آب و بارندگی، این کارها بازده

نارضایتی شهروندان بوده است.

۱-۵-۴. نفوذ فرهنگ عربی، وهابیت و افزایش شکاف مذهبی: شهروندان در بخشهای کرانه‌ای هرمزگان همسانیهایی فرهنگی با مردمان در جنوب خلیج فارس دارند. ارتباط روزافزون ساکنان دوسوی مرز با یکدیگر و نیز اشتراکات مذهبی‌شان، مردمان این نواحی را رفته‌رفته از فرهنگ ملی دور کرده است. از سویی، تبلیغات گسترده کشورهای عربی مانند امارات عربی متحده و عربستان که کشور نخست بیشتر بر جنبه‌های فرهنگی و دومی بر جنبه‌های مذهبی استوار است، مایه کشیده شدن ساکنان این نواحی به سوی فرهنگ عربی شده است. سنی بودن ساکنان جاسک و بخشهای روستایی میناب، این مناطق را یکی از کانونهای تبلیغ وهابیت کرده است. پاره‌ای از ایرانیانی هم که در آن سوی مرزها زندگی می‌کنند، با برپا کردن انجمنهای خیریه، پوشش مناسبی برای تبلیغ وهابیت پدید آورده‌اند. ارتباط روحانیون سنی با مراکز علمی-مذهبی در عربستان و پاکستان و کمکهایی مالی که از آن سوی مرز به آنها می‌شود نیز در این زمینه اثرگذار است. البته عوامل محلی مانند فقر فرهنگی و اقتصادی، کم توجهی دولت به ساماندهی امور مذهبی و وضع زندگی روحانیون اهل سنت را نیز نباید از نظر دور داشت.

منادیان وهابیت و سلفی‌گری جدا از آنکه چالشی جدی برای اندیشه سیاسی نظام به‌شمار می‌روند، می‌توانند امنیت همگانی را به خطر اندازند زیرا فرقه‌گرایی با پدید آوردن شکافهای اجتماعی و ژرفا بخشیدن به آن نیز بهره‌گیری از کجروپها، نظم اجتماعی را برهم می‌زند و احساس امنیت را در جامعه کاهش می‌دهد (حاجیانی، ۱۳۸۳: ۲۴۳). با گرایش اهل تسنن به وهابیت و سلفی‌گری، شکاف مذهبی میان سنی و شیعه ژرفتر می‌شود و تلاشها با هدف دامن زدن به اختلافهای مذهبی، زمینه را برای درگیریهایی مذهبی آماده می‌کند. اگر وهابیت و سلفی‌گری بتواند باروند کنونی پیش رود، در سالهای آینده زمینه‌ساز درگیریهایی مذهبی در بخشهایی از هرمزگان خواهد شد.

سبب شده است که دولت کمترین اقتدار و کارآمدی را در آنجا داشته باشد.

۱-۴-۴. سازماندهی نامناسب فضای سیاسی: برجسته‌ترین هدف از تقسیمات کشوری و سازماندهی سیاسی فضا، خدمت‌رسانی هرچه بهتر به شهروندان از یک سو و اداره و کنترل فضای جغرافیایی از سوی دیگر است. اگر این تقسیمات به درستی و باسنجیدگی انجام نگیرد، خدمت‌رسانی به شهروندان و همچنین اداره و کنترل فضای جغرافیایی دچار آشفتگی می‌شود و چه بسا به نارضایتی شهروندان، فقر همگانی، ناامنی و منطقه‌گرایی بینجامد. پاک‌رفتن حفره‌های دولت، پیوندی بسیار روشن با درست نبودن تقسیمات کشوری در محدوده مورد بررسی دارد. ساکنان شهرهای جنوب کرمان به علت همسانیهایی فرهنگی-زبانی و نزدیکی جغرافیایی، گرایش بیشتری به استان هرمزگان دارند که فرصتهای شغلی بهتری در اختیارشان می‌گذارد. از سوی دیگر تفاوت فرهنگی-زبانی، دور بودن از مرکز استان و نداشتن نفوذ در دستگاههای اداری-سیاسی سبب شده است که آنها نتوانند به سادگی با دیگر نقاط استان کرمان ارتباط برقرار کنند و از همین رو در زمینه توزیع بودجه و ثروت به حاشیه رفته‌اند که پیامد آن تبدیل شدن شهرهای جنوب استان کرمان به فقیرترین و عقب مانده‌ترین مناطق کشور بوده است. آنان همواره خواستار جدا شدن از استان کرمان و تشکیل یک استان تازه یا پیوستن به استان هرمزگان بوده‌اند. در نظرسنجی انجام شده از سوی نگارندگان در جنوب استان کرمان، ۳۷ درصد شهروندان خواستار پیوستن به هرمزگان، ۴۴ درصد موافق تشکیل یک استان تازه و کمتر از ۱۸ درصد خواستار حفظ شدن وضع کنونی بودند.

دور بودن جاسک از مرکز استان هرمزگان و بافت قومی-مذهبی متفاوتش با دیگر بخشهای استان نیز سبب شده است که ساکنان این شهرستان کمتر مورد توجه دست‌اندرکاران و مدیران محلی قرار گیرند. آنان به علت قومی-مذهبی هم به آسانی نمی‌توانند با دیگر نقاط هرمزگان ارتباط مؤثر برقرار کنند؛ وضعی که پی آمد آن تنگدستی، عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی و

۲-۴- چگونگی پاگرفتن حفره‌های دولت

حفره‌های دولت در ناحیه مورد بررسی، از عوامل گوناگونی مایه می‌گیرد که برخی از آنها ریشه در همین ناحیه دارد. ریشه پاره‌ای دیگر در بیرون از ناحیه و گاهی در سطح ملی و بین‌المللی است. برخی عوامل پیشینه اندک و چندین ساله دارد ولی پیشینه عوامل دیگر گاهی به چندین دهه می‌رسد.

برجسته‌ترین عوامل پاگرفتن این حفره‌ها را چنین می‌توان برشمرد:

۱-۲-۴- دور بودن از مراکز استانها: مناطق دور از مرکز و حاشیه‌ای همواره جولانگاه فراریان از چنگ قانون و قاچاقچیان مواد مخدر است (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۴). با افکندن نگاهی به نقشه منطقه مورد بررسی در می‌یابیم که جز بخش کوچکی از شهرستانهای میناب و رودان که آن نیز در محدوده مورد بررسی ما نمی‌گنجد، دیگر بخشهای این ناحیه از مراکز دو استان هرمزگان و کرمان بسیار دورند و دورافتادگی مناطق روستایی بیشتر است. نبود راههای مناسب نیز این دوری را برجسته‌تر کرده است. دور بودن از مرکز استان در عمل به معنای دور بودن از مرکز قدرت، ثروت و تصمیم‌گیری است. از این رو دست‌اندرکاران بومی کمتر در جریان اوضاع این مناطق هستند تا آنجا که عقب افتاده‌ترین مناطق ایران از جمله بشاگرد و کهنوج را در این ناحیه می‌یابیم که بر پایه بررسیها، توسعه نیافته‌ترین مناطق ایران هستند (حسینی ابری، ۱۳۷۵: ۲۹ و آفتاب یزد، ۱۳۸۷: ۹).

۲-۲-۴- توزیع نامناسب قدرت و ثروت: توزیع نامناسب و ناعادلانه قدرت و ثروت در سطوح ملی و محلی از دیگر عواملی است که زمینه‌ساز حفره‌های دولت شده است. هر چند بخش چشمگیری از اعتبارات عمرانی به استان کرمان داده می‌شود، ولی در سایه رقابت گسترده شهرها، بخش اندکی از این اعتبارات نصیب بخشهای جنوبی استان می‌شود. گذشته از آن، چون کمابیش همه کارگزاران محلی هم از شهرهای شمالی استان برخاسته‌اند، قدرت چانه‌زنی آنان برای جذب اعتبارات بسی بیش از جنوبی‌هاست. استان هرمزگان نیز با وجود توانمندیهای چشمگیرش، در

○ تفاوت فرهنگی-زبانی، دور بودن از مرکز استان و نداشتن نفوذ در دستگاههای اداری-سیاسی سبب شده است که آنها نتوانند به سادگی با دیگر نقاط استان کرمان ارتباط برقرار کنند و از همین رو در زمینه توزیع بودجه و ثروت به حاشیه رفته‌اند که پیامد آن تبدیل شدن شهرهای جنوب استان کرمان به فقیرترین و عقب مانده‌ترین مناطق کشور بوده است. آنان همواره خواستار جدا شدن از استان کرمان و تشکیل يك استان تازه یا پیوستن به استان هرمزگان بوده‌اند.

جذب اعتبارات چندان موفق نبوده است. کمبود نخبگان و کارگزاران بومی و ناآشنایی کارگزاران غیربومی با محیط استان، مهمترین عوامل در این زمینه است. از سوی دیگر، بودجه اختصاص یافته به استان نیز ناعادلانه تقسیم شده و بخش بزرگ بودجه به مرکز استان داده می‌شود و نواحی پیرامونی و ویژه روستاها که بیشترین جمعیت استان را دارند، بهره‌اندکی از بودجه می‌برند. این روند در درازمدت زمینه فقر و توسعه نیافتگی این مناطق را فراهم می‌آورد، گو اینکه اکنون نیز این مناطق از نظر اقتصادی، علمی و آموزشی در شمار کم توسعه یافته‌ترین و عقب مانده‌ترین مناطق هستند که توان جذب بسیاری از مشاغل و نهادها را ندارند و ناخودآگاه به فعالیتهای غیرقانونی و تبهکارانه کشیده می‌شوند.

۳-۲-۴- شکاف قومی-مذهبی: مذهب و قومیت از برجسته‌ترین ویژگیهای فرهنگی يك ملت است و نقشی کارساز در چندوچون فرهنگ يك ناحیه بازی می‌کند. ناحیه فرهنگی با اشغال يك ناحیه از سوی کسانی که دارای مشترکات فرهنگی هستند، پدید می‌آید (تری و

نزدیک به ۹۰ درصد جمعیت ناحیه مورد بررسی، بندری و بلوچ یا دارندگان آمیزه‌ای از این دو فرهنگ هستند؛ بخش چشمگیری از جمعیت رانیزسنی‌ها تشکیل می‌دهند. بلوچ‌های این منطقه که سنی هستند، توانسته‌اند پیوندهای نزدیک با دیگر بخشهای هرزگان برقرار کنند و همین، تا اندازه‌ای به انزوا، توسعه نیافتگی و عقب ماندگی آنها انجامیده و زمینه ساز کارهای غیرقانونی و پاگرفتن حفره‌های دولت شده است.

۴-۲-۴. نزدیکی به مرزو دریای عمان: نواحی مرکزی و کرانه‌ای همواره پناهگاهی امن برای جرائم سازمان یافته است. نزدیکی شهرهای جنوب کرمان و خاور هرزگان به مرزهای خاوری از یک سو و نزدیکی آنها به کناره‌های دریای عمان از سوی دیگر سبب شده است که بسیاری از تبهکاران و قاچاقچیان مواد مخدر این ناحیه را برای کارهای خود برگزینند. نزدیکی به مرزهای خاوری کشور، ارتباط آنها با قاچاقچیان پاکستانی و افغانی را آسانتر می‌کند و می‌تواند به گونه حلقه‌ای از زنجیره مافیایی عمل کنند که مواد مخدر را از افغانستان به بازارهای خاورمیانه و اروپا می‌فرستد. همچنین، بسیاری از افراد شرور و آشوبگر برای گریز از قانون و نیروهای امنیتی، از جاده‌هایی که کنترل مؤثری بر آنها نیست خود را به مرزهای خاوری و کشورهای همسایه می‌رسانند. این نکته در مورد بخشهای کرانه‌ای هم راست می‌آید، زیرا جدا از اینکه زمینه فعالیت‌های غیرمجاز اقتصادی در این نواحی وجود دارد، تبهکاران می‌توانند با گذر از دریا و پناه بردن به کشورهای عربی در جنوب خلیج فارس، از قانون و کیفر بگریزند.

۴-۲-۵. قرار گرفتن بر سر راه ترانزیت مواد مخدر و کالاهای قاچاق: همانگونه که در نقشه (۱) دیده می‌شود، بخشی از مواد مخدری که در افغانستان و پاکستان تولید می‌شود برای رسیدن به کشورهای منطقه و اروپا از این ناحیه مورد بررسی می‌گذرد. از آنجا که بزه‌هایی چون شرارت، راهزنی، قاچاق جنگ افزار، ترورهای کور، فساد کارکنان دستگاههای دولتی و اعتیاد روزافزون شهروندان به مواد مخدر مربوط می‌شود، ترانزیت و قاچاق کالا بسیاری از شهروندان در این ناحیه

راوتنزی، ۱۳۸۰: ۵۶۱)، ولی چه بسا یک ناحیه فرهنگی از گونه کارکردی باشد، یعنی به منظور کارکردهایی ویژه سازماندهی شود ولی ساختار فرهنگی یکدست نداشته باشد (همان: ۱۴۴). هیچ‌یک از استانهای هرزگان و کرمان ناحیه فرهنگی یکدستی به شمار نمی‌آیند. از نظر فرهنگی، زبانی و قومی تفاوت‌های بسیار میان شهروندان شمال و جنوب کرمان به چشم می‌خورد. این ناهمگونی در استان هرزگان آشکارتر است، زیرا جمعیت این استان از دید فرهنگی-زبانی و قومی-مذهبی یکدست نیست. این استان پس از تهران بهترین جایی است که می‌توان در آن فشرده‌ای از فرهنگ ملی را دید (آشوری، ۱۳۸۶: ۲۵)، زیرا شهروندان فارس، بلوچ، بندری، عرب و حتا ترک که به سه گروه مذهبی جعفری (شیعه)، شافعی و حنفی تقسیم می‌شوند، بومیان این استان را تشکیل می‌دهند (هرچند بیشتر جمعیت از بندری‌ها هستند). از سوی دیگر، به سبب مهاجرپذیر بودن این استان، اقلیتهای بزرگی از آذری‌ها، کردها و لرها در این استان زندگی می‌کنند (میرزاده، ۱۳۸۷: ۲).

○ توزیع نامناسب و ناعادلانه قدرت و ثروت در سطوح ملی و محلی از دیگر عواملی است که زمینه ساز حفره‌های دولت شده است. هر چند بخش چشمگیری از اعتبارات عمرانی به استان کرمان داده می‌شود، ولی در سایه رقابت گسترده شهرها، بخش اندکی از این اعتبارات نصیب بخشهای جنوبی استان می‌شود. گذشته از آن، چون کمابیش همه کارگزاران محلی هم از شهرهای شمالی استان برخاسته‌اند، قدرت چانه‌زنی آنان برای جذب اعتبارات بسی پیش از جنوبی‌هاست.

صنعت ۲/۶ میلیارد دلاری است که در ۲۰۰۶ بیش از یک سوم تولید ناخالص افغانستان را به خود اختصاص داده بوده است (www. eqtesadepenh. com). همچنین، جنگ و آشفتگیهای داخلی، زمینه مناسبی برای قاچاق جنگ افزار به آن کشور پدید آورده است. از سوی دیگر، سیاستهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای عربی در جنوب خلیج فارس نیز از ریشه های اصلی قاچاق کالا، سوخت و انسان در این ناحیه است. گذشته از آن، سیاستهای فرهنگی- مذهبی کشورهای عربی در راستای کشاندن مردمان در کناره خاوری هرزگان به سوی فرهنگ عربی، وهابیت و سلفی گری بسیار چشمگیر است. دولتهای عربستان، قطر و امارات عربی متحده برای دگرگون کردن فرهنگ مردمان ساکن جنوب و جنوب خاوری ایران و نفوذ در میان آنان سخت می کوشند. عربستان و قطر با تبلیغات مذهبی (ترویج وهابیت) و امارت عربی متحده از راههای فرهنگی برای نفوذ در جمعیت سنی و بلوچ این مناطق کار می کنند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۸۰).

۵- سخن پایانی

در این نوشتار به بررسی علل و پیامدهای پاگرفتن حفره های دولت در بخشی از کشور پرداختیم تا نشان دهیم که چگونه مجموعه ای از عوامل و موضوعات جغرافیایی چون دوری و نزدیکی به مراکز سیاسی، نزدیکی به مرز، آب و هوا، گروههای قومی- مذهبی، تقسیمات کشوری در کنار عوامل سیاسی- اجتماعی مانند شیوه توزیع ثروت ملی و فقر علمی و فرهنگی و... دست به دست هم داده و پدیده ای به بار آورده اند که حاکمیت دولت را در فضای ملی به چالش کشیده و امنیت ملی را خدشه دار کرده است. همچنین نشان دادیم که ریشه بسیاری از نابسامانیهایی که در یک ناحیه جغرافیایی یا کارکردی رخ می دهد در درون آن نیست. مسائل امنیتی، ریشه بسیاری از نابسامانیها در ناحیه مورد بررسی است که از یک سو خود از عوامل گوناگونی مایه گرفته و از سوی دیگر بستر لازم را برای دیگر مسائل آماده کرده است. مافیای مواد مخدر

را گرفتار بزه های یادشده کرده است. همچنین، چون این کار سودی سرشار دارد، بسیاری کسان کار اصلی خود را می کنند و سرمایه هایشان را به این راه می اندازند.

کالاهای قاچاقی که به بندرها و اسکله های غیرمجاز کرانه های خاوری هرزگان می رسد، برای رفتن به بازار مصرف ناگزیر از این محدوده می گذرد و از همین رو بسیاری از بومیان بیکار که زمینه مناسبی برای به کار انداختن سرمایه های خود ندارند، به این گونه فعالیتها کشیده می شوند.

۴-۲-۶. اقلیم ناحیه: بر سر هم، محدوده مورد بررسی آب و هوای نیمه بیابانی دارد و به علت کمبود بارندگی، آب کافی برای کشاورزی و دامپروری در دسترس نیست. آب در بسیاری جاها به اندازه ای کم است که حتی پرورش دام به علت نبودن مرتع سودآور نیست. چون در محدوده مورد بررسی فعالیتها اقتصادی بیشتر بر کشاورزی و دامپروری استوار است و صنعت سهم ناچیزی در اشتغال بومیان دارد، کمبود آب مایه از رونق افتادن کشاورزی و دامداری شده و بسیاری کسان ناگزیر به سوی فعالیتهای کاذب و غیرقانونی رفته اند. به علت وضع اقلیمی نامساعد، بیشتر دانش آموختگان و نخبگان بومی و همچنین کارمندانی از دیگر استانها می آیند، پس از چندی از این ناحیه می روند. در میان شهرهای یاد شده، رودان و حاجی آباد بیشترین بارندگی را دارند و از همین رو شاهد کمترین فعالیتها غیرقانونی و مقصد بیشتر غیربومیان هستند (دولتی زه، ۱۳۸۶: ۶).

۴-۲-۷. همسایگان: بسیار دیده ایم که مسائلی ریشه در درون یک کشور دارد، ولی پیامدها و آثارش از مرزها فراتر می رود (ویت و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۵). بسیاری از مسائلی که در این ناحیه به چشم می خورد، برآمده از مسائل و مشکلاتی است که در کشورهای همسایه وجود دارد. قاچاق مواد مخدر و بسیاری از بزه های برآمده از آن مانند آشوبگری و شرارت، قاچاق جنگ افزار، اعتیاد و... همه از تولید مواد مخدر در افغانستان که بزرگترین کشور تولیدکننده تریاک در جهان است، مایه می گیرد. تولید تریاک در افغانستان یک

درازمدت در این ناحیه به علت ناامنی، عقب ماندگی فرهنگی و بدی آب و هوا از سوی دیگر، به گشتن چرخه عقب ماندگی و فقر کمک کرده است.

به علت نبود شرایط مناسب برای فرهنگیان و نخبگان، این افراد ناگزیر از این ناحیه کوچیده و راهی دیگر نقاط شده اند، این وضع ناحیه را از باشندگان خالی می کند و بدین سان زمینه را برای تاخت و تاز و چنگ اندازی مافیا و گسترش جرائم سازمان یافته فراهم می آورد. وضع نامناسب ارتباطات (رسانه ای، جاده ای و فرهنگی) نیز سبب دور افتادن مردمان این ناحیه در فضای جغرافیایی شده است.

نقش اختلافهای مذهبی را نیز نباید فراموش کرد. ناهمخوانی قوانین مذهبی (اهل تسنن) با قوانین حاکم (شیعه) از یک سو زمینه بحران نفوذ و مشروعیت را هموار می کند و از سوی دیگر پدیده قاچاق را رونق داده است. ضعف سیستم اداری و سیاسی نیز در این منطقه چشمگیر است. برنامه ریزیهای غیر کارشناسی و احساسی مانند آنچه در تقسیمات کشوری و تخصیص اعتبارات دیده می شود، زمینه ساز حفره های دولت بوده است. بی توجهی به وابستگیهای فرهنگی، و ناکارایی مکانهای مرکزی سبب ناکارآمدی تقسیمات کشوری شده است. دگرگون کردن تقسیمات کشوری بی گمان اثربخش خواهد بود؛ این کار می تواند بازنگری در حوزه استانها و شهرستانها تا ایجاد یک استان تازه را دربرگیرد، ولی به هر رو نکات سیاسی - امنیتی و حساسیتهای محلی را نیز نباید نادیده گرفت.

جدا از کمبودها و نارساییهای موجود، برچسب محروم بودن حالت روحی ویژه ای پدید آورده است که در سایه آن، برخی افراد بومی بهبود زندگی خود را در گرو کمک و توجه رسمی و عملی دولت می بینند، در صورتی که در پاره ای موارد نیازی به آن نیست. ضعف قوانین و فساد اداری نیز محیطی امن برای فعالیت های غیرقانونی فراهم آورده و چه بسیار طرح های دولتی را با شکست روبه رو کرده است.

بایسته است که دست اندرکاران با شناخت توانمندیهای بالقوه انسانی و محیطی، نکات زیر را که به

○ سیاستهای اقتصادی و اجتماعی

کشورهای عربی در جنوب خلیج فارس نیز از ریشه های اصلی قاچاق کالا، سوخت و انسان در این ناحیه است. گذشته از آن، سیاستهای فرهنگی - مذهبی کشورهای عربی در راستای کشاندن مردمان در کناره خاوری هر مزگان به سوی فرهنگ عربی، وهابیت و سلفی گری بسیار چشمگیر است. دولتهای عربستان، قطر و امارات عربی متحده برای دگرگون کردن فرهنگ مردمان ساکن جنوب و جنوب خاوری ایران و نفوذ در میان آنان سخت می کوشند. عربستان و قطر با تبلیغات مذهبی (ترویج وهابیت) و امارات عربی متحده از راههای فرهنگی برای نفوذ در جمعیت سنی و بلوچ این مناطق کار می کنند.

زمینه را برای دیگر بزه های سازمان یافته فراهم کرده است و نبود نظارت و کم توجهی دولت به پا گرفتن شبکه های تروریستی محلی که خود زاینده ناامنی و قاچاق جنگ افزار و مواد مخدر است، کمک کرده است. این شبکه ها نقشی کارساز در ناتوان نمایاندن دولت دارند و همین، تبهکاران را در زیر پا نهادن قوانین بی پروا تر کرده است.

آب و هوای بد، کمبود بارندگی، خاک شور و گرمای سخت، سبب شده است که کشاورزی و دامداری در این نواحی چندان سودآور نباشد و فقر علمی و فرهنگی ساکنان، زمینه را برای فقر اقتصادی آماده کرده است.

نبود توان جذب اعتبارات محلی و ملی در سایه نبود قدرت چانه زنی که خود بر ایند نبود نخبگان بومی است از یک سو، و بی رغبتی غیر بومیان برای سکونت

- استان هرمزگان.
۷. «هرمزگان و جنوب کرمان، فقیرترین استانها در کشور»، آفتاب یزد (۱۳۸۷/۵/۲).
۸. سیف‌زاده، حسین، (۱۳۷۳)، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران، نشر سفیر.
۹. عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام حسین، دوره عالی جنگ.
۱۰. قالیباف، محمداقبر، (۱۳۸۵)، جزوه درسی جغرافیای سیاسی پیشرفته، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. قنبری، علی اصغر، (۱۳۸۲)، «ضرورت شناخت مشاجرات و آسیبهای مرزی بررسی موردی: مرزهای دریایی استان هرمزگان»، فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی، س ۱ ش ۳.
۱۲. کریمی‌پور، یدالله، (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)، تهران، جهاد دانشگاهی.
۱۳. کوسج، فاطمه نسا و رجبی، اعظم، (۱۳۸۶)، آمارنامه شهرستان بندرعباس ۱۳۸۴-۱۳۷۹، بندرعباس، معاونت برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان.
۱۴. گیلبرت، آلن و گاگلر، ژوزف، (۱۳۸۵)، شهرها، فقر، توسعه شهرنشینی در کشورهای جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی‌ناصری، تهران، شهرداری تهران، اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی
۱۵. مصاحبه با محمد آشوری معاون سیاسی - امنیتی سابق استانداری هرمزگان و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳۸۶.
۱۶. معاونت برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان، (۱۳۸۶)، آمارنامه شهرستان بندرعباس ۱۳۸۴-۱۳۷۹.
۱۷. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و یحیی رحیم صفوی، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۸. میرزاده، مهدی، (۱۳۷۸)، «هرمزگان، ناحیه‌ای فرهنگی یا کارکردی»، روزنامه دریا (۱۳۸۷/۵/۱).
۱۹. ویت، برایان و اسمیت، مایکل و لیتل، ریچارد، (۱۳۸۱)، مسائل سیاست جهان، ترجمه سید کمال سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
20. www. eqtesadepenh.com.

- بهره‌گیری از امکانات موجود برای از میان بردن حفره‌های دولت و تأمین رفاه و امنیت شهر و ندان کمک می‌کند، در نظر بگیرند:
- تقویت نهادهای امنیتی در محدوده مورد بررسی؛
- دگرگونی تقسیمات کشوری؛
- سرمایه‌گذاری در بخش اقتصادی بویژه در نواحی روستایی و کرانه‌ای؛
- توجه ویژه به آموزش و پرورش و کوشش برای بهبود بخشیدن به وضع علمی و آموزشی؛
- کوشش در راه از میان بردن نابرابریهای منطقه‌ای و شکافهای اقتصادی؛
- کمک به ایجاد و رونق بازارچه‌های مرزی؛
- گزینش مدیران محلی از میان بومیان مناطق؛
- کوشش برای نزدیکتر ساختن مذاهب اسلامی به یکدیگر؛
- پرهیز از برنامه‌ریزیهای احساسی و غیر علمی؛
- افزایش کنترل و نظارت بر مرزهای خاوری و جنوبی کشور.

مآخذ

۱. پیشگاهی فرد، زهرا، (۱۳۸۵)، «تحلیل چالشهای جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی»، فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، ش ۵۷.
۲. تری، جوردن و راوتتری، لستر، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه، سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۳)، «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و اثر آن بر نظم و ثبات سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی س ۷ ش ۲.
۴. حسینی ابری، سید حسن و همکاران، (۱۳۷۵)، پژوهشی در زمینه فعالیتهای محرومیت‌زدایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه بشاگرد، تهران، کمیته امداد امام خمینی (ره).
۵. دادس، کلاوس، (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک در جهان متغیر، ترجمه زهرا احمدی‌پور، تهران، نشر بلاغ دانش.
۶. دولتی‌زه، حمید، (۱۳۸۴)، سیمای اقتصادی، اجتماعی شهرستان رودان، بندرعباس، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی